تامل

فریدون صدیقی:

آسیب‌شناسی اهداف پیش‌رو

فریدون صدیقی از چهره‌های تأثیرگذار رسانه‌ای کشور است. روزنامه‌نگاری که به نثر شاعرانه‌اش در میان عموم مخاطبان شناخته می‌شود و حتی اگر نامش بر ابتدای مطلبی نباشد هم مخاطبان نثر ادبی او را به خوبی می‌شناسند.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت که پایه‌گذار بخش ضمائم روزنامه جام‌جم، یکی از پرخواننده‌ترین بخش‌های این روزنامه محسوب می‌شود، بوده به مناسبت بیست و پنجمین سال انتشار جام‌جم از افق‌های پیش‌روی این رسانه می‌گوید: «جام‌جم آمد تا صدا و سیمای مکتوب در روزگاری باشد که روزافزونی تیراژ و خریداران به‌خاطر تعدد، تنوع ورنگ‌آمیزی متفاوت روزنامه‌ها بود.

تولید شش ضمیمه هفتگی که هرروز یکی از آنها با موضوع و مضمونی متفاوت همراه روزنامه جام‌جم بود و مخاطبان هدف را درشهرستان‌ها جست‌وجو می‌کرد، خیلی زود ثمربخش شد و جام‌جم را به تیراژی قابل‌توجه وتأمل رساند. حالا واکنون که جهان در تسخیر و تسلیم رسانه‌های مجازی است، باید امیدوار بود روزنامه جام‌جم در بازخوانی تجارب گذشته و آسیب‌شناسی اهداف پیش‌رو موقعیت آغازین خود را تکرارکند؛ گرچه تحقق این امیدواری چندان سهل و آسان نیست.»

... روزنامه «جام‌جم» می‌گویند

... فرهنگ و هنر

بین هنرمندان و روزنامه‌ها فصل تازه‌ای از همکاری بین آنها شکل بگیرد. شاید امروزه خریدار روزنامه کم شده باشد که موضوعات مختلفی در این امر دخیل است، اما این روزنامه‌ها می‌توانند وجه تمایزی در عملکرد خود ایجاد کنند. مثلا رسانه‌های مکتوب به تفضیل موضوعات می‌پردازند و شاید این امر در مسائل فرهنگی و هنری بیشتر نیاز است که اتفاق بیفتد. بیان انتقادات سازنده در همین بسترهای مکتوب اثرگذاری و ماندگاری بالایی دارد که به نظرم ایجاد این نگاه تخصصی می‌تواند به عنوان ایده‌ای در روزنامه «جام‌جم» پیاده‌سازی شود و تبدیل به رسانه‌ای جریان‌ساز در زمینه فرهنگی و هنری شود.

به‌نظرم هنرمندان می‌توانند تصمیم بگیرند چه نوع ارتباطی با رسانه‌ها برقرار کنند؛ من طی ۳۰ سال فعالیت فرهنگی و هنری برای تعامل با رسانه‌ها سخت‌گیری خاصی ندارم و این رابطه هرچه عمیق‌تر باشد برای هر دو طرف سازنده‌تر است. امیدوارم مدیران و مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای ما دنبال رویه‌ای با حس پیشرفت باشند.

«جام‌جم» و رویکردهای تحلیلی

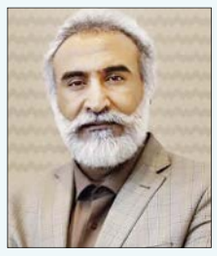

حمیدرضا نعیمی: از سال ۷۹ که جام‌جم به جمع رسانه‌های کشور افزوده شد، این روزنامه را دنبال می‌کردم و به نظرم در زمینه تئاتر و سینما خیلی جدی کار می‌کند و خیلی وقت‌ها از طریق این روزنامه کسب خبر می‌کردم و برایم اعتبار و اهمیت زیادی داشت.

به‌نظرم این روزنامه روزبه‌روز پربارتر شده و از زمان‌هایی که وارد حوزه نقد آثار هنری شد هم شاهد عملکرد خوبی از این رسانه بودیم. مصاحبه‌های ماندگاری در این روزنامه تهیه شده که برای من به عنوان هنرمند ارزش زیادی دارد.

روزنامه جام‌جم را دنبال می‌کنم اما در این روزگار همچنان روزنامه کاغذی مهم است. هرچند روزنامه‌های الکترونیکی زیادی وجود دارد و ما هم اخبار را از فضای مجازی دنبال می‌کنیم و حیف است روزنامه‌هایی با سابقه‌ای مانند جام‌جم به شکل سنتی منتشر نشوند یا از کیفیت آن کاسته شود. اعتبار یک روزنامه ساده به دست نیامده و باید برای حفظ این اعتبار، کیفیت و حیات روزنامه‌های معتبر تلاش کرد.

طی سال‌ها رویکرد هنری و فرهنگی روزنامه جام‌جم متناسب بوده و امیدوارم فعالیت این روزنامه همچنان باکیفیت دهه های ۸۰ و ۹۰ پیش برود، چراکه بخشی از خاطرات خوب هنرمندان هم به روزنامه‌نگاران و روزنامه‌ها گره خورده و جدایی‌ناپذیر از یکدیگر هستیم.

روزنامه جام‌جم می‌تواند فضایی برای بزرگان عرصه هنر و فرهنگ فراهم کند تا درخصوص رویدادهای مختلف قلم بزنند و تحلیل‌هایی ارائه کنند که تحول‌آفرین باشد از این منظر پیشنهاد می‌کنم این روزنامه به فصلنامه شدن فکر کند، یعنی در پایان هر فصل شاهد یک فصلنامه باشیم که مجموعه اتفاقات فرهنگی و هنری طی چند ماه را بررسی کرده؛ امری که در این سرعت رخدادها و پوشش اخبار در خبرگزاری‌ها فرصت بررسی آن وجود ندارد. فصلنامه جام‌جم می‌تواند سریال‌هایی که هر فصل پخش شده، تولیدات سینمایی، نمایشگاه‌های هنری و تئاترهایی که روی صحنه رفته را مورد موشکافی دقیق قرار دهد و با فرصتی که برای این فصلنامه فراهم است، سر حوصله تصاویر و گفته‌های تازه‌ای از تمام این رویدادها را به مخاطب عرضه کند.

ما همچنان به این بررسی‌های موشکافانه نیاز داریم و هنر همیشه با نقد رشد کرده است

. فرض کنید آیا سریال «مختار» که بحث‌های زیادی هم روی آن شده است، نیاز به بررسی دقیق نقدهای مثبت و منفی روی این سریال از نظر بازیگری، کارگردانی، تحقیق و پژوهش‌های انجام شده برای ساخت فیلمی تاریخی و... دارد. چنین تحلیل‌هایی کمک می‌کند آثار بعدی که در این زمینه‌ها ساخته می‌شود، قوت و جذابیت بیشتری داشته باشند که یک فصلنامه می‌تواند دست به چنین بررسی‌هایی بزند و برای مخاطبانی که همچنان علاقه‌مند به مطالعه کتاب‌ها، روزنامه‌ها یا مجلات به‌صورت کاغذی هستند، محتوای قابل دفاع، ارزشمند و ماندگاری خواهد بود.

«جام‌جم» سدی جلوی سطحی‌نگری

مجید اخشابی: عمیق‌ترین و جدی‌ترین رسانه‌ها، رسانه‌های مکتوب هستند. در رسانه‌های مجازی شاهد داده‌های نادرست و بدون منبع هستیم. رسانه‌هایی که قابل تغییر و ویرایش فوری هستند راحت‌تر محتواهای بی‌ارزش ارائه می‌دهند، اما به نظرم رسانه‌های مکتوب چندین سر و گردن از سایر رسانه‌ها از نظر صحت اطلاعات وکیفیت بالاترند. مخاطب نسبت به نوشته‌ای که به صورت مکتوب منتشر می‌شود، متعهدتر عمل می‌کند و همین ویژگی دلیل خوبی بر اهمیت و ضرورت حیات رسانه‌های مکتوب در جهان کنونی است. در کشور ما که سرانه کتابخوانی پایین است یا افراد یا به این مقوله توجه کافی ندارند، روزنامه‌ها تنها راه ارتباط با مطالعه و خواندن هستند. روزنامه‌ها چکیده موضوعات مختلف را به مخاطب ارائه می‌کنند که خواندن چنین محتواهایی فواید خودش را دارد. به نظرم در این روزگار اگر اشتراک روزنامه یا مجله‌ای داشته باشیم و در طول روز آن را تورق کنیم از منظر روحی و رشد آگاهی بسیار مفید است. از سوی دیگر به نظرم روزنامه‌ها باید عمیق‌تر و تخصصی‌تر امر اطلاع‌رسانی را دنبال کنند و از نظر همین تخصص‌نگری از دیگران متمایز شوند. چهره‌های معروف در شاخه‌های مختلف، اگر مجازی باز باشند که هر اطلاعاتی مردم بخواهند از سبک زندگی و تفریحات و ... خود منتشر می‌کنند و درواقع برای خودشان رسانه‌ای در فضای مجازی دارند و رسانه‌های تخصصی باید دقیقا در همین نقطه وجه تمایز خود را نشان دهند، چراکه مسائل سطحی به اندازه کافی در رسانه‌های به‌اصطلاح زرد مطرح می‌شود و آنچه باقی می‌ماند که کار اصلی رسانه‌های حرفه‌ای است، پرداخت تخصصی به موضوعات است و از این منظر وجود یک روزنامه یا مجله با گروه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران حرفه‌ای ضرورت دارد تا با اندیشه، تفکر و تخصص موضوعات را بکاود و سلسله بحث‌ها و پرونده‌هایی داشته باشد تا مخاطب را از روزمرگی نجات دهد و جلوی سطحی‌نگری را بگیرد.

«جام‌جم» و آموزش و پژوهش

وجیهه سامانی: مخاطب گریزپای امروزی کم‌حوصله، کم‌طاقت و بی‌قرار است و می‌خواهد به‌سرعت در جریان اتفاقات مختلف قرار بگیرد. گوشی‌های هوشمند هم که در دسترس همه قرار دارد و نیازی به کوچک‌ترین حرکت و زحمتی برای دسترسی به فضای مجازی نیست! مجموعه این عوامل باعث شده مخاطب عادت مراجعه به روزنامه و شبکه‌های داخلی را از دست بدهد و مرجعیت اول اخبار، به دست شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های مجازی بیفتد. حال می‌توان یا مغلوب این تکنولوژی و امپراتوری فضای مجازی شد یا آن را به خدمت گرفت و با خلاقیت و ابتکار، به شیوه‌های دیگری فکر کرد. به‌عنوان مثال، بپذیریم این فضا نیاز خبری مخاطب را در حال حاضر تأمین می‌کند و رسانه‌های مکتوب می‌توانند از نقل خبر فاصله بگیرند و به سمت نقد، بررسی و تحلیل خبر بروند و چند و چون ماجرا را با پایبندی به اصل واقعیت، در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. در این صورت نیاز مخاطب به رسانه مکتوب همچنان باقی خواهد ماند. در مورد هنر و ادبیات هم به همین ترتیب، اگر از بحث اطلاع‌رسانی و انتقال اخبار در حوزه‌های فرهنگی و ادبی فاصله بگیریم، می‌بینیم که رسانه‌های مکتوب ظرفیت زیادی در بحث آموزش و پژوهش و نقد و تحلیل اخبار دارند. به‌طور مثال، در کنار انتشار خبر و رونمایی از یک رمان، می‌توان به نقد و نظر منتقدان مختلف پیرامون آن اثر پرداخت یا این‌که مراکز فروش و راه‌های تهیه اثر و کانال ارتباطی نویسنده با مخاطبان را معرفی کرد.

روزنامه‌ها مانع تخریب زبان فارسی می‌شوند

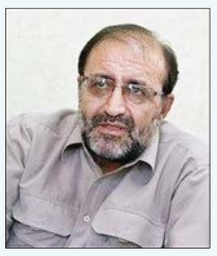

مجتبی رحماندوست، نویسنده، شاعر و عضو پیشین کمیسیون فرهنگی مجلس: تا جایی که اطلاع دارم، بخشی از محتوای روزنامه‌ها در فضای مجازی ارائه می‌شود و روزنامه‌ها محدود به گیشه و فرم کاغذی نمی‌شوند. شاید ۳۰ درصد مردم نسخه فیزیکی روزنامه و ۷۰ درصد دیگر هم نسخه‌های الکترونیکی را بخوانند. علاوه بر این، چند سال است که ارائه مطالب در فضای مجازی با تصویر و به شکل تخصصی انجام می‌شود و معتقدم روزنامه‌ها به شکل عملی در حال جریان‌سازی هستند.

هرقدر که حجم روزنامه‌ها را سبک‌تر کنیم و از مطالب تحلیلی مفصل و دنباله‌دار طولانی بکاهیم و می‌تواند اطلاعات روز را به مخاطبان برساند. برای مطالب طولانی‌تر، عمیق و مفصل‌تر می‌توان ویژه‌نامه‌ای را ضمیمه روزنامه کرد. در حال حاضر متأسفانه، فضای مجازی موجب تخریب زبان فارسی شده که این زمینه انحراف را می‌کارد اما روزنامه‌ها می‌توانند در این میدان پای بگذارند و با تخریب زبان فارسی مقابله کنند. به‌عنوان مثال، روزنامه‌ها می‌توانند مانع تنبلانه نوشتن ـ مثل به جای سلام؛ سین ـ شوند.

روزنامه‌ای برای روشنگری

حسن بزرا، کارگردان تئاتر: یادم هست روزگاری جماعتی جلوی دکه‌های روزنامه فروشی می‌ایستادند و تیتر مطبوعات را می‌خواندند و مردم دنبال قالب کاغذی روزنامه‌ها بودند و از ورق زدن آن لذت می‌بردند، ولی توجه به این موضوعات مانند خواندن کتاب کاغذی کم شده است.

بسیاری اوقات وقتی پیاده راه می‌روم و جلوی دکه‌ها می‌ایستم، متأسفانه می‌بینم فضا دیگر مانند پنج سال پیش هم نیست و حتی دکه‌ها هم دیگر روزنامه نمی‌آورند. گرچه حرکت به سمت مجازی شدن، گریز ناپذیر است. امروزه همین که صفحات مجازی را باز می‌کنیم در لحظه و ثانیه شاهد خبرهای جدید هستیم.

اخبار ،دیگر منتظر رسیدن به روزنامه فردا نمی‌مانند بلکه در لحظه در فضاهای برخط قابل رویت هستند و این روند خبررسانی در لحظه، شرایط را به جنگی سخت بدل کرده و کاری هم نمی‌توان انجام داد و کار روزنامه‌نگاری به شکل سنتی و مدرن هم اقتضائات خود را دارد و شاید باید تحلیل کنند ولی هم اکنون تحلیل‌ها در روزنامه‌ها نیز سرعتی شده و مثل قبل نیست.

من براساس علاقه شخصی‌ام دوست دارم اگر قرار است مثلا روزنامه جام‌جم را بخوانم به صورت کاغذی آن را در دست بگیرم. همان‌طور که وقتی کتاب کاغذی را ورق می‌زنم حس خوبی به من می‌دهد، روزنامه کاغذی نیز چنین حس مثبتی را القا می‌کند. روزنامه برای من تداعی‌گر احساسات نوستالژیک است. زمانی ما داستانی را به صورت صوتی گوش می‌دهیم یا به شکل کتاب الکترونیک آن را مطالعه می‌کنیم، ولی وقتی روزنامه یا کتاب کاغذی را در دست می‌گیریم، حس و حال دیگری به ما منتقل می‌شود.

آیا می‌توان گفت روخوانی بدون حس از یک متن با خوانشی که همراه انتقال حس و حال متن باشد برابری می‌کند؟! در مورد روزنامه کاغذی و رسانه‌های برخط نیز من چنین تعبیری دارم. وقتی حس و حال از خواندن یک مطلب به خواننده منتقل نشود، در واقع فرد را از تفکر، تأمل، عمیق فکر کردن و تخیل باز می‌دارد. کتاب و روزنامه کاغذی بیشتر امکان همراهی با متنی را که می‌خوانم، ایجاد می‌کند و این مواقع چشم، اندیشه و تعقل همزمان با هم کار می‌کند.

به‌نظرم دنیای دیجیتال جلوی تخیل ما را می‌گیرد و تلاش می‌کند ما صرفا آنچه مقصود آن تولید دیجیتالی است را تخیل کنیم، بنابراین به کلی سلیقه من استفاده از رسانه‌های سنتی‌تر است و امیدوارم مردم به درک درستی از تفاوت این دو نوع رسانه برسند.

فکر می‌کنم جریانات جدید در دنیا و وقایعی که اخیرا رخ داده، دنیا را هوشمندتر کرده و چشم مردمان بیشتری باز شده و این روزها گویی بینایی خود را مجدد به دست می‌آورند.

به‌نظرم تحولات اخیر پرده‌های غبارآلودی را که مقابل چشم مردم دنیا به‌خصوص مردم اروپا و آمریکا کشیده‌اند، کنار زده و این مردم آگاه دیگر در برابر حوادث غزه ساکت نیستند و می‌بینید در دانشگاه‌ها و مجامعی که افراد متفکر بیشتری گرد هم جمع می‌شوند، تجمعاتی علیه اسرائیل شکل گرفته و ما هنرمندان و اهالی رسانه نیز باید دغدغه‌مند باشیم و برای جامعه بشری دلسوزی کنیم.

امروز برای انسانیت اتفاقاتی رخ می‌دهد که نباید در برابر آن ساکت ماند، چراکه بالاتر از هر دردی همین درد است. اگر انسانیت واقعی برقرار شود وآدم‌ها، آدمیت کنند این وقایع تلخ رخ نمی‌دهد و ما هنرمندان و اهالی رسانه باید روشنگری و انسان را به فطرت خود نزدیک کنیم و در این بین روزنامه‌ها باید پیشرو باشند.

زاویه دید

سید عباس دانشگر/ دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات

«جام‌جم» در بالاترین سطح عرصه رسانه

راهبری جامعه در مسیر اصولی و درست، یک ضرورت غیرقابل اجتناب است و ابزار آن آگاهی، شناخت و درک در جهان امروز است و نقش رسانه در این مهم، نقشی بی‌بدیل است.

تلاش برای «آگاهی فراگیر» در راستای منافع ملت و کشور، هدف بزرگ و مقدس یک روزنامه فراگیر، مسئول و متعهد است و رسالت آن ایجاب می‌کند که برای ایفای این نقش بزرگ خود، با تولید محتوا مبتنی بر مصالح و منافع عمومی، اولا با تحلیل‌های مبتنی بر رویکردهای علمی، مسئولان، مدیران و تصمیم‌سازان را یاری رساند و در ثانی با اطلاع‌رسانی صحیح در عرصه‌های مختلف، به وظیفه آگاهی‌بخشی خود به جامعه متعهد باشد.

در جامعه‌ای که بسیاری از شکل‌بندی‌های ساختاری آن در وضعیت تحول و تغییر مداوم هستند و به‌دلیل فراگیری «شبکه‌های اجتماعی»، تحلیل‌های ناامیدکننده‌ای درباره نقش‌آفرینی و جایگاه روزنامه در شرایط در حال تغییر امروز ارائه می‌شود، تداوم انتشار موفقیت‌آمیز یک روزنامه، کار سختی است و این مهم، خاصه برای روزنامه‌هایی که به دلیل ارگان انگاشته شدن آنها به فلان قوه، نهاد، سازمان و... احیانا مورد بدگمانی احتمالی مخاطبان هم هستند، اهمیتی صدچندان می‌یابد.

در چنین دوران سرشار از تغییرات و تحولات و ذائقه‌های متفاوت و عجیب مخاطبان، روزنامه جام‌جم نه فقط موجودیت خود را حفظ کرد، که با رشد کیفی مناسب، نشانه‌هایی از تکامل ساختاری خود را نزد افکار عمومی و نهادهای اجتماعی و تمامی انواع سلائق به نمایش گذاشت.

سال‌های فعالیت جام‌جم، سال‌هایی سرشار از عملکرد مبتنی بر عقلانیت بوده است؛ آرا، اندیشه‌ها و تفکراتی که طی این سال‌ها از سوی جام‌جم ترویج شد، همگی تاکیدی بر تعهد و باورمندی به قدرت و توانمندی‌های بیکران ایران و ایرانی بوده است.

جام‌جم از ابتدا چارچوب مشخصی داشت و خود را متعهد به آن می‌دانست و نتیجه پیمایش روال و مسیر منطقی طی این سالیان، ارائه آدرس‌ها و رهنمودهای دقیق و درست بایدها و نبایدها به سیاستگذار و افزایش «آگاهی فراگیر» در میان مخاطبان بود. جام‌جم طی این سال‌ها توانست خود را در بالاترین سطح از عرصه رسانه‌ای ایران حفظ کند و این مهم جز با پایداری سیاستگذاران روزنامه در طول مسیر و بهره‌مندی از تخصص و دانش همکاران حرفه‌ای تلاشگر، میسور و ممکن نمی‌شد. امروزه هر رسانه‌ای که بتواند «مرجعیت رسانه‌ای داخلی» را نزد افکار عمومی، قوام واستحکام ببخشد، رسانه‌ای پیشتاز و موفق است.

نگاهی به نقش‌آفرینی هوشمندانه روزنامه جام‌جم در مدت زمان فعالیت و تبدیل شدن به مرجعیت رسانه‌ای، نشان از موفقیت این روزنامه در انجام رسالت حرفه‌ای خود دارد. جام‌جم به دلیل سوابق برجسته خود، از روزنامه‌های مهم کشور قلمداد می‌شود. تداوم حضور ارزشمند این روزنامه در عرصه صیانت و پاسداری از مصالح کشور و ملت را آرزومندیم.

ذره بین

فرهنگ دیالوگ در یک روزنامه موثر

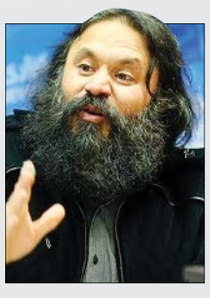

کوروش زارعی: هنر تئاتر به‌عنوان یک هنر مردمی و هنری که دیالوگ و گفت‌وگو از عناصر مهمش است ارتباط بسیار مستقیمی با رسانه مخصوصا رسانه‌های نوشتاری دارد. از آنجاکه این هنر از همه جهت مظلوم است رسانه‌ها خیلی می‌توانند در بازتاب فعالیت‌های تئاتر، نهادینه کردن تئاتر در جامعه و ضرورت جاانداختن تئاتر در ذهن مردم به این هنر کمک کنند. روزنامه جام‌جم از روزنامه‌های پیشگام و پیشقدم در این موضوع است.

پیشگام برای منعکس‌کردن رویدادهای تئاتری و برنامه‌های تئاتری بوده و به تئاتر و هنرمندان آن کمک زیادی کرده است. به‌شخصه قدران تلاش دست‌اندرکاران روزنامه جام‌جم هستم و سالروز تاسیس روزنامه جام‌جم به‌عنوان یک رسانه تاثیرگذار در جامعه را تبریک می‌گویم. امیدوارم دست‌اندرکاران این روزنامه مثل همیشه در کنار ما تئاتری‌ها و رویدادها و جریانات تئاتری باشند.

درنگ

ستون‌های هنری جذاب

وحید نفر: وقتی قرار است پیشرفت، تشخص و حرکت رو به جلوی هنر را دنبال کنیم، دیگر نمی‌توان سطحی با مسأله برخورد کرد و زمانی که مسأله در جراید به ثبت برسد، معیاری برای سنجش آیندگان نسبت به وضعیت فرهنگ‌وهنر در بازه زمانی مشخص باقی می‌گذارد.. بنابراین در بررسی لزوم ادامه فعالیت روزنامه‌ها نباید صرفا سطح شهر و کلیت را در نظر گرفت و باید به افراد در طبقات مختلف اجتماعی و جغرافیایی و فرهنگ‌های مختلفی که همچنان وجود دارند نیز فکر کرد.

من هم مثل خیلی افراد، مدت‌هاست کمتر روزنامه می‌خوانم مگر در شرایطی که مصاحبه‌ای داشته باشم یا دنبال مطلب تخصصی بگردم که روزنامه جام‌جم در این بین جایگاه خود را دارد.

روزنامه جام‌جم همیشه به ستون‌های هنری به‌خصوص برای تئاتر معروف بود که خیلی خوب اخبار را پوشش می‌داد و حس می‌کنم چون در این روزنامه بیشتر به تلویزیون پرداخته شد، سایر بخش‌های این روزنامه زیر سایه قرار گرفت و به‌نظرم باید مانند حوزه تلویزیون سایر بخش‌های این روزنامه نیز جدی گرفته شود و مطالب تحلیلی جذاب‌تری منتشر شود.

قاب

سبحان‌ا... از این پسر!

آنهایی که محمدرضا رستمی را می‌شناختند، تکیه‌کلام همیشگی‌اش «سبحان‌ا...» را به خوبی به یاد دارند؛ تکیه کلامی که هرگاه از چیزی شگفت‌زده می‌شد یا سر ذوق می‌آمد، به زبان می‌آورد. او خود سبحان‌اللهی ویژه داشت؛ شاعر بود، داستان می‌نوشت، خبرنگاری حرفه‌ای بود و البته انسانی مهربان و دوستی بی‌دریغ. مرگ زودهنگامش در ۲۹ مهر ۱۳۹۵ یاد او را در دل همکارانش خاموش نکرده است. رستمی فعالیت حرفه‌ای‌اش را در جام‌جم آغاز کرد و به‌عنوان دبیر ویژه‌نامه نسل سوم، دبیر سرویس شهرستان‌ها و دبیر سرویس فرهنگ و هنر، سال‌ها در تحریریه جام‌جم فعالیت کرد.